



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۲/۱۷

حامد نوید

## توضیحاتی در زمینه نقش زنان در هنرهای تجسمی صد سال اخیر



یادداشت: این مضمون آموزنده محترم حامد نوید که خود هنرمند و هنر شناس هم میباشند، به پاسخ به خانمی در فیس بوک ارسال گردیده است که اینک برای هموطنان تقدیم میگردد:  
**به پاسخ دوشیزه لیمه:**

پس از عرض سلام بجواب سوال شما در مورد نقش زنان در هنرهای تجسمی در صد سال اخیر چنین مینگارم: هنرهای تجسمی بگونه تمثیلی و ریالستیک نه تنها در افغانستان، بلکه در سراسر کشورهای اسلامی بخاطر عقاید حاکم در جامعه با محدودیتهایی مواجه بوده است. در افغانستان تنها در عصر زمامداری سلطان مسعود غزنوی پسر محمود غزنوی که به این هنر علاقمندی خاصی داشت به پیکره های سنگی و نقاشی های دیواری صحنه های شکار و بزم های دربار بر میخوریم. این آثار هنری تا جایکه در موزیم کابل و موزیم برتانیای دیده میشود از لشکرگاه یا لشکری بازار و از قصر مسعود در تخت سفر هرات بدست آمده که در یاد داشتهای بیهقی نیز یاد آوری هایی درین مورد وجود دارد. و اما در مورد سوال شما در باره نقش زنان در هنرهای تجسمی و تصویری در قرون معاصر باید گفت که باز هم نظر به رسوم و عنعنات حاکم در جامعه، نام زنان هنرمند به ندرت برده شده و نظر به تحقیقات مرحوم عبدالغفور برشنا استاد بزرگ و چندین بعدی افغانستان نامهای چون عبدالعظیم خان ابکم و عبدل العزیز خان ابکم که در عهد پادشاهی امیردوست محمد خان و پسرش امیرشیر علی خان به کار های هنری مصروف بوده اند ذکر است که همه مردان بوده اند.

در عهد پادشاهی امیر عبدالرحمن خان و فرزندش امیرحبیب الله خان سراج نقاشان بزرگی چون پرفیسور غلام محمد خان مصور مشهور به میمنگی، حسام الدین خان نقاش و غلام حیدر خان هیکلتراش ظهور کردند و به تربیت شاگردان پرداختند که باز هم همه مردان هنرمند بودند. متأسفانه اوضاع در اروپای قرن نهم و قاره آمریکا نیز بدینمنوال بود و جز ماری کاست Mary Cassat نقاش سبک امپرسیونیست قرن نهم آمریکایی نام هیچ زنی دارای شهرت جهانی از دوره لیوناردو داوینچی و میکل آنژ هنرمندان بزرگ عصر رنسانس اروپا

تا دوران پابلو پیکاسو Pablo Picasso نقاش سبک کوبیسم، در میان نقاشان و پیکره سازان غربی به چشم نمیخورد. بدبختانه اوضاع جهان تا آغاز سده بیستم چنین بوده است.

بهر صورت میرسیم به موضوع مورد بحث، یعنی ظهور زنان پیکره ساز و نقاش در میهن ما. به عقیده اینجانب بزرگترین تحول در عالم هنرهای زیبا در آغاز سده بیستم در عهد شاه امان الله با تأسیس مکتب صنایع کابل به مدیریت پروفیسور غلام محمد خان میمنگی متخلص به مصور صورت گرفت. بدین معنی که هنر های ظریفه از چهار دیوار ارگ و قصور اغنیا برون آمد و بدسترس مردم قرار گرفت. همچنان تأسیس نخستین آموزشگاه زنان، یعنی مکتب مستورات در حاشیه بوستان سرای باغ زرنگار کنونی کسب دانش و آموزشهای هنری درجه نوبنی را بر رخ دختران جوان کابل قرار داد. از قرار معلوم مضمون نقاشی درین مکتب نیز تدریس میگردید و در میان شاگردان حمیرا مصور دختر پروفیسور غلام محمد خان مصور نقاش خوبی بود.

طوریکه میدانیم دولت امانی در سال ۱۹۲۹ سقوط کرد و برای مدت نه ماه دروازه فراگیری علم و هنر بر روی زنان مسدود بود. در دوران چهار ساله پادشاهی نادر شاه ( اکتوبر ۱۹۲۹ تا نوامبر ۱۹۳۳ ) مکتب صنایع ظریفه کابل دوباره گشایش یافت و مکتب دختران به کمک دختران تحصیل یافته عهد امانی بخاطر دلایل امنیتی در داخل چهار دیوار ارگ کابل دوباره تأسیس شد که در آن بر علاوه علوم دینی ریاضی، ادبیات، ساینس و علوم اجتماعی، تدبیر منزل و هنرهای ظریفه تدریس میگردید. در دوران پادشاهی محمد ظاهر شاه (۱۹۳۳ تا ۱۹۷۳) مکاتب نسوان از چهار دیوار ارگ بدر آمد و مکاتب دختران در کابل و اکثر ولایات افغانستان تأسیس شد.

دریندوره مضمون نقاشی مانند مضامین دیگر در تمام مکاتب افغانستان تدریس میگردید. هنرمندان بزرگ این عصر استاد برشنا، استاد غوث الدین خان ، استاد فرخ ، استاد کریم شاه خان، استاد خیرمحمد خان، استاد غلام علی امید، استاد قربان علی خان، استاد صافی، استاد فتح محمدخان و جمعی بزرگواران دیگر بودند که هر یک به دختران و پسران جوان افغان اساسات هنر های تصویری و تجسمی را آموزش میدادند. در اواخر دهه ۵۰ و دهه ۶۰ هنگامیکه هنر های مدرن وارد جامعه هنری افغانستان گردید و مرحوم سید مقدس نگاه استاد پارسا و جناب یوسف کهزاد از پیشگامان این نوگرایی بودند، خانم سیمون شکور ولی که تحصیلات خود را در کانون هنر های زیبای مونپولیه در پاریس به اتمام رسانیده بود، به ایجاد نقاشی های زیبایی به سبک امپرسیونیسم پرداخت که برخی از تابلو هایش هنوز در گالری ملی افغانستان وجود دارد.

در دوره جمهوری اول افغانستان با پشتیبانی شهید محمد داود شعبه هنر های زیبا در چوکات پوهنتون کابل به ریاست استاد حیدرزاد بطور رسمی گشایش یافت که در آن دختران و پسران جوان افغان به شمول زرلشت داود دختر رئیس جمهور وقت به فراگیری اکادمیک هنر های تصویری، و تجسمی و تاریخ هنر و تیوری رنگ آغاز کردند. در دوره حکومت حزب دیموکراتیک خلق باوصف استفاده از پدیده های هنری برای تبلیغات حزبی بر تعداد نقاشان و پیکره سازان زن افزوده شد .

در سالهای اول دهه هشتاد شعبه هنر های زیبا به پوهنزی هنر های زیبا به ریاست دوکتور شهرانی ارتقا یافت و بر علاوه هنر های بصری تدریس موسیقی و هنر های تمثیلی نیز آغاز شد.

در طول جنگهای داخلی و دوره طالبان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ صدمات زیادی بر بنیاد های هنری افغانستان وارد آمد، اما پس از سال ۲۰۰۳ این کاروان هنری دوباره به حرکت افتاد و زنان افغان با افکار بکر خود به

افتخارات هنری افزودند. درینمورد میتوانیډ از محترمه شیدا وزیرى نقاش مېتکر واستاد نقاشى در کدر پوهنتون جویای سوال شویډ. دریندوره درپهلوی ده ها کانون هنرى در کابل هرات، بلخ و کندهار مرکز هنرهای معاصر افغانستان به همت یکی از استادان مجرب هنرهای زیبا آقای واسع عمرزاد پایه گزاری گردید. وقتی درسال ۲۰۰۵ به کابل سفر نمودم آنچه مایه امیدواری ومسرت فراوان من گردید موجودیت هنرمندان نهایت با استعداد ومبتکر در مرکز هنرهای معاصر افغانستان تابلو ها وآثار هنرى ناب زنان جوان افغان بود که هرکدام پیام های بسیار پرمحتوا حکایت از درد رنج زنان افغان در دهه های دشوار جنگ داشت. این تابلو های بکر در سراسر کشور های آسیایی و اروپایی چشمان هزاران بیننده را بخود جلب نمود و برای زنان افغان افتخار آفرید.

موفق و کامگار باشیډ.

\*\*\*\* \* \* \* \* \*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده هایی از این نویسنده، شاعر و هنرمند بی بدیل افغانستان جناب حامد نوید را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس شان در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!